

ریشه‌یابی انشعاب زیدیه در روایات بحارالأنوار

محمد نوری

چکیده

زیدیه یکی از سه فرقه مهم شیعه در کنار امامیه و اسماعیلیه است. داستان چگونگی انشعاب زیدیه از پیکره شیعه در منابع کهن تاریخی و حدیثی آمده است. علامه مجلسی روایات مربوط به این واقعه را از منابع مختلف و مجامع روایی گردآوری و عمده آن‌ها را در بخشی از جلد چهارم و ششم بحارالأنوار تدوین و تنظیم کرده است. این بخش از بحارالأنوار یکی از رخدادهای مهم تاریخ شیعه یعنی بحران امامت و در پی آن انشعاب زیدیه و مواد علمی اولیه برای پژوهش‌های مختلف تاریخی، کلامی و جامعه‌شناختی در این باره است.

در این مقاله سعی شده به اختصار روایات موجود در این بخش طبقه‌بندی و بررسی گردد. نویسنده در مقدمه به اهمیت و توصیف کار مجلسی در بحارالأنوار پرداخته، پس از آن فصلی را به شخصیت زید بن علی به عنوان سلسله جنبان زیدیه از منظر روایات این کتاب و علامه مجلسی اختصاص داده است. فصل بعدی تحلیل مقوله قیام زید بن علی است. نقطه آغازین بحران شیعه در نیمه اول سده دوم قمری، قرائت ویژه‌ای از اسلام و شیعه به عنوان دین انقلابی و عدالت‌گستر بود که ریشه در واقعیت‌هایی همچون سيطرة حکمای جور از یکسو و مطالبات گروهی از شیعیان از امامان شیعی برای قیام داشت. نگاه امامان شیعی به مسأله قیام زید در این راستا تحلیل و بررسی شده است.

آخرین مبحث این مقاله با عنوان بحران امامت و انشعاب است. مجلسی از موضع امامیه به جمع روایت‌های متعارض به گونه‌ای که هم امامت شیعی مصون و محفوظ بماند و هم

فعالیت‌های انقلابی زید علیه حاکمان ظالم مشروعیت یابد، پرداخته است. این نحوه جمع غیر از برداشت‌های کسانی از امامیه است که به طرد اندیشه و عمل زید پرداخته و به تبع آن قرائت انقلابی از تشیع را نفی می‌کرده‌اند.

مقدمه

زیدبن علی سلسله‌جنبان یکی از فرقه‌های مهم و اصلی شیعه است. او فرزند امام چهارم، زین‌العابدین و معروف به زید شهید در سال ۷۹ متولد و در ۱۲۲ قمری به شهادت رسید.^۱

تشیع مشتمل بر سه فرقه مهم امامیه (اثنی عشریه)، اسماعیلیه و زیدیه است و زیدیه پس از اثنی عشریه از بزرگ‌ترین شاخه‌های شیعه محسوب می‌شود. زیدیه از نیمه اول قرن دوم قمری نضج و تکوین و به سرعت گسترش یافت به طوری که در سده سوم مناطقی از ایران، یمن و شمال آفریقا را زیر سیطره خود داشتند و در این مناطق از مقبولیت مردمی برخوردار بودند. حتی شمال ایران و خراسان قبل از گروش به امامیه، دارای مذهب زیدی بودند.^۲

اهمیت زیدیه همواره موجب امعان توجه عالمان امامی به این فرقه بوده و از گذشته‌های دور به تحلیل ابعاد مختلف زیدیان پرداخته‌اند.^۳ یکی از مسائل مهم زیدیه، نحوه شکل‌گیری امامت زیدی و انعقاد این مذهب به سلسله جنبانی زیدبن علی است. روایت‌هایی درباره زید از طریق امامیه در مجامع روایی این مذهب آمده است و محدثان، رجالیان، فقیهان و متکلمان امامیه به شرح و توضیح آن روایت‌ها پرداخته‌اند که نشانگر دیدگاه امامیه درباره زیدبن علی و بیانگر نحوه انشعاب زیدیه از شیعه امامی

۱. بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳، م ۴۶/۱۵۵.

۲. ر.ک: تاریخ بیهق، علی بن زید بیهقی، تهران، کتابفروشی فروغی، بی تا، ص ۱۹۴؛ تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار، تهران، انتشارات پدیده، ۱۳۶۶، صص ۲۲۴-۲۷۰؛ جنبش زیدیه در ایران، عبدالوہاب حقیقت، تهران، فلسفه، ۱۳۶۳؛ اخبار ائمه الزیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان، به کوشش ویلفرد مادلونگ، بیروت، المعهد الآلمانی للابحاث الشرقیة، ۱۹۸۷ م.

۳. برخی از آرا و نظرات عالمان شیعی درباره زید در کتاب شخصیت و قیام زیدبن علی، سید ابوالفضل رضوی اردکانی، صص ۴۶۹-۵۱۰ و ۵۱۹-۵۲۰ گردآوری شده است.

است. این‌ها مباحث کلامی و فقهی بود که بعدها کیان علمی زیدیه را تشکیل داد و بسیاری از آن‌ها در لابلای مناظرات زیدیان با ائمه به چشم می‌خورد و در واقع این روایات بخشی از تاریخ کلام شیعی و نشانگر یکی از بحران‌های این مذهب است. علامه مجلسی در بحارالأنوار علاوه بر گردآوری این روایات، مباحثی در شرح و توضیح آن‌ها دارد که به شفافیت موضع مثبت امامیه در مورد زیدیه کمک خواهد کرد. امید است این‌گونه مباحث به تقریب و همدلی بیش‌تر این دو فرقه شیعی بیانجامد و جریان‌هایی که در زیدیه یا امامیه بذر جدایی و تکفیر را می‌افشانند به توفیق نرسند.^۱ مجلسی بسیاری از اطلاعات منقول درباره زید و زیدیان را در باب یازدهم از تاریخ علی بن الحسین السجاد (ع) گردآوری کرده است.^۲ البته در جاهای دیگر نیز روایات مربوط به زید به صورت پراکنده آمده است.^۳

مطالب و موضوعات روایات زید در بحارالأنوار عبارتند از: مدح و تمجید زید، مذمت و نهی او از قیام، مساعدت ائمه به قیام‌کنندگان و خانواده شهدا، مناظرات ائمه با زیدیان، همکاری و بیعت مردم با زید و زیدیان، پیش‌بینی شهادت زید و حوادث پس از شهادت، تأثیر قیام زید و دیدگاه زید راجع به امامت.

مصادر مجلسی عبارتند از المناقب، کشف الغمّة، امالی الصدوق، عیون اخبار الرضا، مقتضب الاثر، الاحتجاج طبرسی، الاختصاص، قرب الاسناد، ثواب الاعمال، ارشاد المفید، رجال الکشی، الکافی و مصباح الکفعمی است. علامه مجلسی در مواردی پس از نقل روایت به اظهار نظر و داوری هم پرداخته است.

۱. اخیراً کتابی زیر عنوان تعلیقات علی‌الامامة عند الاثنی عشریة (نوشته عبدالله محمد اسماعیل، عمان، ۱۴۱۹ق) منتشر شده و به گردآوری آرا و فتاوی برخی عالمان امامیه علیه زیدیه و نقد نظرات امامیه از منظر زیدیه پرداخته است.

۲. بحارالأنوار، ۴۶/۱۵۵-۲۰۹.

۳. ر.ک: المعجم المفهرس لالفاظ احادیث، ۱۳/۹۴۴۳-۹۴۴۷؛ مجلسی اخبار زید را عمدتاً در باب احوال و اولاد امام سجاد آورده ولی بخشی از اخبارش در زندگی امام صادق، موسی بن جعفر و حضرت رضا و باب خمس آمده است.

شخصیت زید بن علی

شخصیت زید در مدینه در مکتب تربیتی و آموزشی پدر امام سجاد(ع) و برادرش امام باقر(ع) و پسر برادرش امام صادق(ع) شکل گرفت و در علوم مختلف متبحر شد. احادیث مختلفی به روایت او در کتاب‌های روائی شیعه مانند کافی آمده است. بیش از ده اثر مکتوب در علوم کلام، فقه، حدیث و تفسیر از او دانسته‌اند.^۱ افراد برجسته‌ای در مکتب او شاگردی کرده و به مقامات عالی علمی رسیدند. حتی ابوحنیفه مدتی در محضرش تلمذ کرد. علاوه بر مدارج علمی از مقامات معنوی و اخلاقی برخوردار بود. عصر زید مقارن با حاکمیت مطلق امویان و دو دهه آخر زندگانی اش مصادف با خلافت هشام بن عبدالملک مروان (حکومت ۱۰۵ - ۱۲۵ق)، مردی هتاک و خوش‌گذران و شهوت‌پیشه بود. او که خلافت و حکومت را شایسته ظالمان اموی نمی‌دانست همواره مبارزه تبلیغی علیه کارگزاران خلافت داشت. قیام علنی و مسلحانه عمومی را همراه برخی مردم کوفه در اواخر صفر و اوایل محرم ۱۲۱ یا ۱۲۲ق در آن شهر آغاز کرد و پس از چند روز جنگ و گریز با لشکر یوسف بن عمر ثقفی که از طرف هشام مأموریت ویژه برای سرکوب زید داشت، به شهادت رسید.^۲

آثار کهن و جدید درباره زید را سرگین فهرست کرده است.^۳ نیز آثاری از ابن بابویه قمی، ابراهیم بن محمد ثقفی، جلودی و صاحب بن عباد درباره زیدیه و زید یاد شده است.^۴ برخی از کتب روایی شیعه بخشی را به اخبار زید اختصاص داده‌اند.^۵ روایاتی از بحار الأنوار به مدح و ستایش وی پرداخته و او را به کریم الطبع بودن، بخشنده‌گی،^۶ سید اهل بیت و انتقام‌گیر از دشمنان اهل بیت^۷ ستوده است. در روایت دیگر

۱. ر.ک: تاریخ التراث العربی، الفقه، فؤاد سرگین، صص ۳۲۵-۳۲۶.

۲. نحوه شهادت او در چند روایت از جمله حدیث ۴۸ (بحار الأنوار، ۴۶/۱۸۳-۱۸۴) و کتاب‌های تاریخی مانند تاریخ یعقوبی (۲/۳۷۰-۳۷۱) گزارش شده است.

۳. تاریخ التراث العربی، الفقه، فؤاد سرگین، صص ۳۲۱-۳۲۲.

۴. فرهنگ فرق اسلامی، محمدجواد مشکور، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ص ۱۳۷۵، ۲۱۷.

۵. برای نمونه ر.ک: «باب ماجاء عن الرضا(ع) فی زید»، عیون اخبار الرضا، ۱/۲۴۸.

۶. بحار الأنوار، ۴۶/۱۶۸-۱۶۹ حدیث ۱۴.

۷. همان، ص ۱۷۰، حدیث ۱۷؛ نیز ص ۱۹۴، حدیث ۶۴.

ورود زید و یارانش به بهشت را بدون حساب دانسته است.^۱ او و همراهانش را شهید لقب داده و آنان را به امام علی و اصحابش تشبیه کرده است.^۲

وقتی زید بن موسی بن جعفر برادر امام رضا (ع) در بصره قیام کرد و او را دستگیر و نزد مأمون آوردند. مأمون او را به امام رضا (ع) بخشید و خطاب به امام (ع) گفت: قبل از او زید بن علی هم خروج کرد و کشته شد و اگر به واسطه تو نبود او را می‌کشتم چون کار او از زید بن علی کم‌تر نبود. امام در پاسخ فرمود: برادرم را با زید بن علی مقایسه مکن. زید از علمای آل محمد بود و برای خدا خشم گرفت و با دشمنان خدا جنگید و در راه او کشته شد.^۳

در روایت دیگری اهداف قیامش را امر به معروف و نهی از منکر و خون‌خواهی حسین (ع) دانسته است.^۴ کشته شدن او را شهادت دانسته و روایت‌هایی در پیش‌بینی شهادت او آورده است:

معمر گوید نزد حضرت صادق (ع) نشسته بودم زید بن علی وارد شد حضرت فرمود عمو جان تو را به خدا می‌سپارم از این‌که در کناسه به دار آویزند. مادر زید گفت: سوگند به خدا، این سخن از سوی حسد است. امام سه مرتبه فرمود کاش حسد بود. آنگاه فرمود پدرم از جدم نقل کرد که یکی از فرزندان او به نام زید قیام خواهد کرد و در کوفه شهید می‌شود و در کناسه او را به دار می‌آویزند پس بدنش را از قبر بیرون می‌آورند.^۵ نیز روایت حمزه بن حمران بیانگر سرگذشت زید و حوادث پس از شهادت او است.^۶ در روایت دیگری جریان شهادت و پس از آن مفصل‌تر نقل شده است.^۷

مجلسی روایت‌های دال بر مذمت زید و نهی او از قیام را آورده است:

۱. بحارالأنوار، صص ۱۷۰-۱۷۱، حدیث ۱۹.

۲. همان، ص ۱۸۶، حدیث ۵۲.

۳. همان، ص ۱۷۴، حدیث ۲۷.

۴. همان، ۱۷۱/۴۶، حدیث ۲۰: در روایت ۲۸ زید را در شهادت تشبیه به امام علی و حسن و حسین کرده است.

۵. همان، ۱۶۸/۴۶، حدیث ۱۲.

۶. همان، ۱۷۲/۴۶، حدیث ۲۲.

۷. همان، ص ۱۸۳، حدیث ۴۸.

داوود رقی گوید وقتی خدمت حضرت صادق (ع) رسیدم و در گزارشم از زید در کوفه گفتم زید بر اسبی سوار است و فقهای کوفه گرد او آمده‌اند و او مدعی وساطت بین مردم و خدا است، امام با تأکید بر امامت مخصوص و منصوب دوازده امام پس از پیامبر فرمود: زید سرگردان است و دشمن‌ترین کس به ما از روی حسد، کسی است که بیش‌ترین خویشاوندی را با ما دارد.^۱ بدین وسیله امام به زید طعنه زده و او را مذمت کرد. در نقلی از امام صادق (ع) آمده که به هنگام رایزنی زید با من به او گفتم چنین نکن، می‌ترسم کشته شوی مگر نمی‌دانی که هر یک از فرزندان فاطمه قبل از خروج سفیانی بر سلطانی خروج کنند کشته خواهند شد.^۲

مجلسی به نقل از رجال‌کشی، سخن امام صادق (ع) را چنین آورده است: خدا عمویم زید را رحمت کند نتوانست حتی یک ساعت به دستور قرآن رفتار نماید.^۳

قیام زید بن علی

مباحث مربوط به مشروعیت، کارکرد و تأثیر قیام زید در چند روایت گزارش شده است. ابو عبدالله سیاری از دوست خود نقل کرد که در خدمت امام صادق (ع) صحبت از خروج‌کنندگان آل محمد پیش آمد، ایشان فرمود ما از قیام‌کنندگان آل محمد آسوده‌ایم و علاقه‌مند به قیام آن‌ها هستیم و اگر کسی قیام کرد مخارج او را خواهم پرداخت.^۴ محمد حلبی از قول امام صادق (ع) می‌گوید همان‌گونه که دولت سفیانی با قیام حسین بن علی برافتاد، حاکمیت هشام نیز با قیام و شهادت زید سرنگون گشت و پس از او سلطه ولید با کشته شدن یحیی فرزند زید از بین رفت.^۵

در روایت ابن سبا که می‌گوید حضرت صادق (ع) به من هزار دینار سپرد تا بین بازماندگان کسانی که به کمک زید رفته و به شهادت نایل شده بودند تقسیم کنم^۶ و روایت

۱. بحارالانوار، ۴۶/۱۷۳ و ۱۷۴، حدیث ۲۶.

۲. همان، ۴۶/۱۸۵، حدیث ۵۱.

۳. همان، ص ۱۹۶، حدیث ۶۸.

۴. همان، ۴۶/۱۷۲، حدیث ۲۱.

۵. همان، ص ۱۸۲، حدیث ۴۶.

۶. همان، ۴۶/۱۷۰، حدیث ۱۸.

ابو خالد واسطی که مدعی است امام صادق (ع) به من هزار دینار داد تا بین خانواده‌های شهید پیکار زید تقسیم کنم^۱، نشانگر اهتمام امام به قیام زید است.

تحریر و تحریک مردم توسط ائمه برای همکاری و مساعدت قیام به دو صورت نقل شده است در برخی روایت‌ها عدم مساعدت و عدم مشروعیت همکاری تکلیف شده است از بین این روایت‌ها روایت مؤمن طاق مهم‌تر و از نظر سندی صحیح است.^۲ وقتی زید در مخفی‌گاه بود در پی مؤمن طاق فرستاد و او را دعوت به همکاری نمود ولی مؤمن طاق به دلیل مشروع نداشتن قیامش به علت زیر نظر رهبری و امامت نبودن با وی همکاری نکرد و حتی زید را مذمت کرد. پس از مدتی وقتی گزارش گفتگوی خود با زید را به امام صادق (ع) گفت، امام او را تأیید نمود.^۳ شاید به همین علت بود که کوفیان ابتدا با زید بیعت کردند ولی او را در نبرد با هشام تنها گذاشتند.^۴

برخی تأیید مؤمن طاق توسط امام را تحسین پاسخ مؤمن و به ویژه تحسین تأکید مؤمن بر امامت نه تعارض بین امام و زید و عدم مشروعیت قیام زید دانسته‌اند.^۵ و کسانی گفته‌اند: عالمان شیعی از این روایت اعراض کرده و کسی به آن عمل نکرده است.^۶ امام در برخی روایت‌ها یاری و مساعدت زید را ضروری و مشروع می‌داند.

در روایتی از امام باقر (ع) آمده که زید قیام کرده و به زودی کشته خواهد شد. هر کس زید را ببیند و یاری‌اش نکند خداوند او را به صورت در آتش می‌اندازد.^۷ پاداش مساعدت و شهادت همراه او را شفاعت در قیامت و اجر بهشت دانسته‌اند.^۸ امام صادق (ع) در پاسخ زراره که از رأی امام درباره یاری زید می‌پرسید، فرمود: اگر مفروض الطاعة است باید یاریش کنی و اگر غیره مفروض الطاعة است در یاری کردن

۱. بحارالأنوار، ۱۸۷/۴۶، حدیث ۵۲.

۲. شخصیت و قیام زید بن علی، ص ۴۹۰.

۳. بحارالأنوار، ص ۱۸۱، حدیث ۴۹.

۴. همان، ص ۱۸۶، حدیث ۵۲.

۵. دراسة فی ولاية الفقیه، ۲۱۳/۱.

۶. شخصیت و قیام زید بن علی، ص ۴۹۱.

۷. بحارالأنوار، ۱۷۰/۴۶، حدیث ۱۶.

۸. همان، ۱۷۱/۴۶، حدیث ۲۰.

مخیر هستی.^۱ همچنین امام صادق (ع) به ابوولاده کابلی فرمود: عمومیم زید را دیدی؟ کابلی گفت او را آویخته به دار دیدم و بعضی مردم او را سرزنش می کردند و برخی ناراحت بودند. امام فرمود: گریه کننده برای او، همراهش داخل بهشت می شود و شهادت کننده او شریک خویش است.^۲

بحران امامت و انشعاب

روایاتی در این که زید معتقد و مقرر به امامت بود در بحارالأنوار آمده است ولی روایت های دیگری نشانگر تشکیک زید و طرفدارانش در امامت شیعی موجود و مطرح بودن مباحثی همچون صفات امام مانند عدم مشروعیت امام جالس و مشروعیت امام قائم در سطح گسترده ای در بین مردم محل گفتگو بوده است. سخنی از زید بن علی به واسطه عمرو بن خالد نقل شده که زید می گفت در هر دوره ای یکی از خاندان ما از سوی خداوند حجت است. حجت زمان ما پسر برادرم جعفر بن محمد است که هر کس از او پیروی کند گمراه نخواهد شد و مخالف او رستگار نمی شوند.^۳ نیز زید در الحقوق می نویسد:

حق الله علی عبده فی ائمة الهدی: ان ینصح لهم فی السر و العلانية و ان یجاهد معهم و ان یبذل نفسه دونهم.^۴

یحیی بن زید از پدرش نقل می کند که او معتقد به دوازده امام بود و نام آن ها را می دانست و متذکر می بود.^۵ امام رضا (ع) از قول امام صادق (ع) می گوید: عمومیم زید مردم را به اطاعت از پیشوایان دین رهنمون می نمود و با من در مورد قیام خود مشورت کرد و به او گفتم اگر مایلی کشته شوی مانعی ندارد.^۶ در ادامه همین روایت مناظره مأمون

۱. بحارالأنوار، ص ۱۹۳، حدیث ۶۰.

۲. همان، ص ۱۹۳-۱۹۴، حدیث ۹۶.

۳. همان، ص ۱۷۳/۴۶، حدیث ۲۴.

۴. «الحقوق»، زید الشهدا، به کوشش محمدرضا حسینی جلالی، مجله علوم الحدیث، سال سوم، ش ۶ (۱۴۲۰ ق)، ص ۲۵۳.

۵. بحارالأنوار، ص ۱۹۸، حدیث ۷۲.

۶. همان، ص ۱۷۴، حدیث ۲۷.

با امام رضا جالب است. مأمون به امام گفت: چرا از زید دفاع می‌کنی مگر روایاتی در مذمت کسی که بدون استحقاق ادعای امامت کند، وارد نشده است. امام در جواب فرمود: زید ادعای ناحق نکرد و مردم را به اطاعت پیشوایان دین فراخواند و آن روایات مربوط به کسانی است که شرایط و شایستگی امامت را ندارند.^۱

شیعیان به دلیل این‌که زید در پی رضایت آل محمد بود و در هنگام قیام همواره هدف خود را رضای آل محمد اعلام می‌کرد به او گرویدند و با او بیعت کردند. البته گروهی گمان کردند او دعوت به خودش می‌کند در صورتی‌که چنین نظری نداشت و در واقع مردم اشتباه متوجه شده بودند.^۲ این‌که وی پسر برادرش را به هنگام وفات وصی خود قرار داد مؤید اعتقادش به امامت است. هشام تبلیغ می‌کرد که زید مدعی خلافت است با این‌که چون کنیززاده است شایسته خلافت نیست ولی زید در پاسخ او گفت حضرت اسماعیل هم با این‌که مقام نبوت داشت، فرزند هاجر کنیز بود و خلافت بالاتر از نبوت نیست.^۳

یک نفر زیدی که معتقد به امامت زید بن علی بود از شیخ مفید سؤال کرد به چه دلیل امامت زید را انکار می‌کنی؟ شیخ در پاسخ گفت: گمان ناصوابی درباره نظریه من داری و دیدگاه من موافق آرای زیدیه است چون زیدیه او را عالم و زاهد و آمر به معروف می‌دانند و از سوی دیگر عصمت و تعیین او از جانب خداوند را قبول ندارند و معجزه‌ای برای او قائل نیستند و من هم این‌ها را قبول دارم.^۴

اعتقاد زیدیان این است که سه امام نخست یعنی امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) منصوب از جانب پیامبر از طریق نصّ البته نصّ خفی نه جلّی (واضح) می‌باشند. وظیفه مسلمانان تفحص و پژوهش درباره آن نص بود تا به واقعیت دست می‌یافتند و کوتاهی آنان در این مورد نکوهیده و ملامت‌انگیز است. برخی شعبه‌های زیدیه مانند جارودیه معتقد به کفر و ارتداد مردم به دلیل کوتاهی در فحص و بیعت با خلیفه اول شدند. اما در مورد بقیه ائمه معتقد به تعیین امام توسط مردم (شورا یا اهل حلّ

۱. بحارالأنوار، ص ۱۷۴، حدیث ۲۷.

۲. شیخ مفید در الارشاد (ص ۱۵۲) به این خطای مردم اذعان دارد.

۳. بحارالأنوار، ص ۱۸۶ و ۱۸۷، حدیث ۵۲.

۴. شیخ مفید در الارشاد، ص ۱۹۰، حدیث ۵۴.

و عقد) می‌باشند. البته هر منتخبی را مشروع ندانسته و صفاتی مانند قیام، علم، زهد، شجاعت و اولاد فاطمه برای امام برشمرده‌اند. از نظریه خود به امامت به نصب و تسمیه تا امام حسین (ع) و امامت به وصف در ائمه دیگر تعبیر می‌نمایند. زید بن علی را اولین امام به وصف می‌دانند و برای این ائمه عصمت را شرط نمی‌دانند.^۱

با توجه به آرا و نظرات زیدیان، پاسخ شیخ مفید بسیار سنجیده بود.

به نظر زیدیه یکی از شرایط امام، قیام اوست. این ویژگی در روایت ابوالصباح هم منعکس است. وقتی ابوالصباح بر زید وارد شد به او گفت شنیده‌ام امام‌ها را چهار نفر می‌دانی که چهارمی آن‌ها قائم است، زید شنیده او را تأیید کرد. ابوالصباح با او محاجه کرد و اصرار بر امامت امام باقر (ع) داشت. پس از مدتی وقتی گزارش گفتگوی خود با زید را به امام صادق (ع) باز گفت، ایشان به نقد ملاک قیام برای تشخیص امام پرداخت.^۲ مجلسی در شرح این روایت می‌نویسد: منظور زید از چهار امام، احتساب ائمه بعد از امام علی (ع) یا عدم قبول امامت زین‌العابدین (ع) به دلیل عدم قیام مسلحانه او است. سخن زید در این روایت به نحوی نافی امامت امام باقر (ع) نیست.^۳ و در خبر دیگری زید صریحاً می‌گوید جعفر امامنا فی الحلال و الحرام.^۴ روایت‌های دیگری گویای جو فکری مردم در این که امام جالس را نمی‌پسندیدند و امام را کسی می‌دانستند که با ظالمان ستیز کند و در پی عدالت‌گسترانی باشد، است.^۵

عمر بن خالد و ابی‌جارود از سران زیدیه می‌باشند که برخی از روایات مدح زید از طریق آن‌ها نقل شده است.^۶ نیز روایت نبیذ خوری زید از طریق سعید بن منصور که از

۱. برای آرای زیدیان در موضوع امامت ر.ک: الاساس لعقائد الاکیاس، قاسم بن محمد، صعدة، مکتبة التراث الاسلامی، ۱۴۱۵ ق، صص ۱۵۲ - ۱۵۶؛ البحر الزخار از احمد بن یحیی المرتضی، صنعاء، دارالحکمة الیمنیة، ۱۴۰۹ ق، ۵/۳۸۲ - ۳۸۴؛ الزیدیة، صاحب بن عباد، بیروت، الدار العربیة للموسوعات، ۱۹۸۶ م، صص ۱۱-۱۳؛ الملل و النحل، شهرستانی، به کوشش محمدسید کیلانی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۲ ق، ۱/۱۵۴ - ۱۵۸.

۲. بحار الأنوار، صص ۱۹۴-۱۹۵، حدیث ۶۷.

۳. همان، صص ۱۹۵ - ۱۹۶.

۴. همان، ص ۱۹۷، حدیث ۶۹ نیز ص ۲۰۰، روایت ۷۴؛ ص ۲۱، روایت ۷۵.

۵. برای نمونه ر.ک: روایت ۷۱ در صفحه ۱۹۷.

۶. همان، ص ۱۹۴، حدیث ۱۴.

بزرگان زیدیه بود نقل شده است.^۱

یکی از فعالیت‌های فرهنگی و علمی امام باقر(ع) و امام صادق(ع) توضیح و رفع شبهاتی بود که زیدیان نشر می‌دادند. مهم‌ترین این شبهات در زمینه امامت بود و عمدتاً معترض به عدم قیام آن دو امام بودند.^۲ گفتنی است که مبحث امامت یکی از مباحث جدی و مطرح در آن دوره تاریخی بود و سؤالات فراوانی در اذهان به وجود آمده بود. در حالی که اکثریت شیعیان امام باقر و امام صادق را بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین شخصیت از خاندان پیامبر و مطاع می‌دانستند، گروهی از شیعیان آموزه‌های عمومی و جو مسلط را برتنایده و با جدیت طرفدار مبارزه مسلحانه بوده و روش صبر و انتظار امام را نمی‌پسندیدند. اینان نخست در ۱۲۲ق به انقلاب زیدبن علی پیوسته و بعداً به شاخه حسنی از خاندان پیامبر گرویدند و عبدالله بن حسن(درگذشت ۱۴۵ق) نواده امام مجتبی(ع) را به عنوان رهبر پذیرفتند. پس از او محمدبن عبدالله نفس زکیه قیادت را به دست گرفت و بسیاری از انشعاییون در قیام سال ۱۴۵ق به او پیوستند. آنان مدتی حاکمیت مدینه را عهده‌دار بودند و در آن مدت حضرت صادق که حاضر نشده بود از قیام آنان پشتیبانی کند مورد آزار و بی حرمتی قرار دادند.^۳ با این‌که این قیام به شکست منجر شد اما بازماندگان آن به امامت متداول امامیه نپیوستند بلکه به تقویت راه و روشی مستقل پرداختند که شالوده‌های زیدیه را تشکیل داد.

مجلسی ذیل روایت ۷۲ می‌نویسد: اگر کسی اعتراض کند که زیدبن علی با شنیدن سخن معصومان چرا سرباز زد و قیام کرد و ادعای امامت نمود و با امام صادق(ع) مخالفت ورزید. در پاسخ می‌گویم که زید برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد نه به منظور مخالفت با پسر برادرش امام صادق(ع). در واقع اختلافی بین زید و امام نبود بلکه مردم دو تلقی داشتند زیرا می‌دیدند زید قیام کرده و امام قیام نکرده است. بعضی از شیعیان خیال کردند امتناع امام به دلیل مخالفت او با زید بوده با این‌که این امتناع به دلیل مصلحت خاصی بوده است. قرینه صحت این مطلب کلام خود زید است که می‌گفت

۱. بحار الأنوار، حدیث ۹۵.

۲. برای نمونه ر.ک: همان، ص ۱۹۷، حدیث ۷۰.

۳. ر.ک: کافی، ۱/۳۵۸ و ۸/۳۶۳-۳۶۴؛ بصائر الدرجات، ص ۱۵۶ و ۱۶۰؛ الغیة، ص ۱۱۹.

هرکس مایل به جنگ است پیش من آید و هرکس که جویای دانش است نزد پسر برادرم برود. یحیی بن یزید نیز به صراحت امامت پدرش را نفی می‌کند.^۱ ولی مجلسی پس از این، تحلیل حاوی محاجه زید با امام باقر(ع) را از کافی^۲ آورده که زید به صراحت می‌گوید لیس الامام منّا من جلس فی بینه وارخی ستره و ثبط عن الجهاد و لکن الامام منّا من منع حوزته و جاهد فی سبیل الله حق جهاده و دفع عن رعیته و ذبّ عن حریمه.^۳ یعنی کسی که در خانه بنشیند و درب را بر روی خود ببندد و از پیکار خودداری کند امام نیست. امام ما کسی است که مدافع حقوق مردم و پیکارگر در راه خدا و حافظ منافع مردم و نگهبان خانواده خود باشد.

استدلال امام باقر(ع) در برابر گفته زید این است که هر نوع کاری تکلیف نیست بلکه تکلیف‌های شرعی مضبوط و معین است و ثانیاً در انجام هر عملی باید شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی و تأثیر آن و مصالح دیگر را در نظر گرفت.^۴ تعارض بین امام و زید در این روایت به خوبی مشهود است و جایی برای تأویل و تفسیر نمی‌ماند ولی آن را مرسل و حسین بن جارود و موسی بن بکر موجود در سند را مجهول دانسته‌اند.^۵

پس از نقل احادیث، نتیجه‌گیری مجلسی در پایان چنین است: اخبار درباره زید مختلف و متعارض است ولی روایت‌هایی که بر مقام و جلالت و شخصیت مطلوب او دلالت دارند و این که ادعای امامت نداشته، بیش‌تر از اخباری است که به عیب‌جویی و قبح او می‌پردازند. بیش‌تر علمای شیعه زید را تحمید کرده و او را شایسته حسن‌ظن و عدم عیب‌جویی دانسته‌اند.^۶ به هر حال داوری مجلسی به نفع زید است و روایات مذمتش را تأویل برده یا کنار زده و حتی زید را مأذون از جانب امام سرّاً دانسته است.^۷ در

۱. بحار الأنوار، ص ۱۹۹، ذیل روایت ۷۲.

۲. الکافی، کتاب الحجّة، ۱/۳۵۶، حدیث ۱۶.

۳. بحار الأنوار، صص ۲۰۳ - ۲۰۴.

۴. همان، صص ۲۰۴ - ۲۰۵.

۵. دراسات فی ولاية الفقیه، ۱/۲۱۵.

۶. همان، ص ۲۰۵.

۷. مرآة العقول، ۱/۴۶۹.

واقع مجلسی به اکثریت روایات و اقوال و غلبه آن‌ها بر روایات ذم استناد کرده‌است. این رهیافت مجلسی در کسانی که در دوره جدید قرائت انقلابی از اسلام و تشیع داشتند تأثیر شگرفی داشت به طوری که برخی منابع جدید، روایات متعارض مزبور را این‌گونه جمع کرده‌اند: زید و امام صادق (ع) هر دو، هدف اصلاح جامعه را داشتند ولی به منظور جلب بیش‌تر مردم و حفظ امامت به دو روش عمل کردند. آن دو به ظاهر جدا و متفک ولی در واقع مؤید یکدیگر بودند.^۱

ممکن است زید بن علی به دلیل معصوم نبودن و انسان بودن در اوایل، دچار احساسات و هیجانات شده و حتی افکار و اندیشه‌هایی بر او عارض شده باشد ولی به تدریج و بر اثر گفتگوی با امام باقر (ع) و امام صادق (ع) متنبه گردیده باشد. از این رو روایت‌ها و گزارش‌های تاریخی گویای تعارض، مربوط به دوره اول و روایت‌هایی که نشانگر ایمان و تأکید زید بر امامت دارد مربوط به دوره دوم است. مجلسی به این نحوه جمع اشاره ندارد بلکه این تحلیل در کتب متأخران آمده‌است.^۲ ممکن است اخبار قدح از روی تقیه گفته شده باشد یا بنی‌امیه و بنی‌عباس برای مشوه کردن جنبش‌ها و انقلاب‌های علویان، به جعل اخبار قدح دست یازیده باشند.^۳

بهر حال مجموعه حوادث دو یا سه دهه اول سده دوم قمری در بین شیعیان، دو نظریه و دیدگاه را به وجود آورد. عده‌ای معتقد به عدم اعتقاد زید به امامت امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شدند. طرفداران این نظریه مستندات روایی و ادله تاریخی مختلفی داشته و دارند^۴ و خود به دو شعبه طبقه‌بندی شده‌اند. یکی گروه از امامیه با نفی زید به امامت ائمه روی آوردند و گروه دیگری که زیدیه را تشکیل دادند با نفی ائمه به امامت زید معتقد شدند. دیدگاه دوم این است که زید در باطن معتقد به امامت بود ولی به دلیل تقیه، تقسیم وظایف یا مصالح و یا ادله دیگر مشی ظاهری‌اش با ائمه تعارض داشت و این تعارض را می‌توان با جمع بین روایات مرتفع نمود. این دیدگاه طرفداران بسیاری در بین

۱. دراسات فی ولایة الفقیه، حسینعلی منتظری، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق/۲۰۷.

۲. مثلاً ر.ک: دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۱، صص ۲۱۶-۲۱۷.

۳. شخصیت و قیام زید بن علی، ص ۴۹۱.

۴. ر.ک: زید بن علی و مشروعیة الثورة عند اهل البیت (ع)، الشیخ نوری حاتم، صص ۱۹۲-۲۰۱.

علمای اثنی عشریه دارد از جمله علامه مجلسی به آن پای بند است و از سبک گردآوری روایت‌ها و تحلیل‌هایی که ارائه کرده به خوبی موضع او مشخص است. مجلسی ریشه‌های کلامی انشعاب زیدیه از امامیه را در بحارالأنوار به خوبی به دست داده است. بر اساس گزارش‌های این کتاب از حوادث مربوط به زید می‌توان به تحلیل‌های جامعه‌شناختی، تاریخی و کلامی در مورد یکی از رخداد‌های مهم تاریخ تشیع یعنی انشعاب زیدیه از شیعه پرداخت.

گفتنی است آن‌چنان اهمیتی که بین فرق و مذاهب اهل سنت برای تقریب هست در بین شعبه‌های شیعه چنین فعالیت‌هایی به چشم نمی‌خورد و از مجمع جهانی اهل بیت که متصدی این کار است، فعالیت‌هایی عمیق و علمی و وسیع کم‌تر به چشم می‌خورد. این مقاله در صدد بررسی همه ابعاد مناسبات تاریخی و کلامی زیدیه و امامیه نبوده بلکه نیم رخ از این قضیه را با اتکای بر بخشی از کتاب بحارالأنوار هویدا ساخته است تا بلکه نگاه‌های این دو فرقه شیعی به یکدیگر در پرتو اسناد تاریخی و روایات معصومین بهینه گردد.